

اسلام علیه اسلام!

كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا
وَلِلْمَظْلُومِ عَمَلًا

دشمنز ستمگر و یاور مظلوم باشید (هم عمر)

مردم، ستون‌های استوار دین



خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یارشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد. (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر)

عزاداری سیاسی

امام خمینی (ره):

«ساسة العباد»، که در زیارت جامعه می‌خوانیم، اگر به یک مقدس مآبی هم می‌گفتند، تعبیرش لابد می‌کردند. جرئت نمی‌کرد بگویند که آن هم سیاسی است. این یک چیز ننگ‌آوری بود که یک کسی در حکومت دخالت بکند که این حکومت باید صحیح باشد؛ جریان صحیح باید باشد. این از تبلیغات همان شیاطین بود که می‌خواستند قشر اسلام را- صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همین صورت‌ها باشیم و محتوا نباشد در کار. کارهایشان را انجام بدهند، محتوای اسلام که مهمش اسلام قیام لله، نهضت لله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، اجرای عدالت اسلامی، این‌ها را منسی؛ برویم هر چه دلمان می‌خواهد مسئله بگوییم! هر چه می‌خواهیم نماز بخوانیم! مسئله گفته نشود که باید جلوگیری از طاغوت کرد. این را نگویند مسئله؛ هر چه دیگر می‌خواهید

محتوای اسلام که مهمش
اسلام قیام لله، نهضت لله،
جلوگیری از ظلم ظالمین، از
ستم ستمکاران، اجرای عدالت
اسلامی، این‌ها را منسی؛ برویم
هر چه دلمان می‌خواهد مسئله
بگوییم! هر چه می‌خواهیم نماز
بخوانیم!

بگویند اما این نباید گفته بشود. سینه بزنی لکن هیچ صحبت از سیاست نکنید؛ همان سینه بزنی بی‌محتوا! باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد.

محمدرضا خان هم اسلام را می‌گفت قبول داریم. هیچ هم مضایقه نداشت از اینکه شما بروید توی مساجد نمازتان را بخوانید؛ و لو اینکه این مضایقه این هم داشت از ترس یک چیز دیگر. انگلیس‌ها که آمده بودند عراق را گرفته بودند، شنیدیم که آن سردارشان دیده

بود که یک کسی دارد بالای مادنه یک چیزی می‌گوید- اذان می‌گفتند. گفته بود این چیست؟ گفته بودند اذان می‌گوید. گفته بود که به امپراتوری انگلستان هم ضرر دارد این؟ گفته بودند نه. گفت بگوید، هر چه می‌خواهد بگوید! نماز و روزه ما به امپراتوری انگلستان ضرری نداشت، هیچ هم کاری نداشتند؛ بروید هر چه می‌خواهید نماز بخوانید، هر چه می‌خواهید روزه بگیرید!

آنی که به امپراتوری همه ضرر داشت آن اسلام

و محتوای واقعی اسلام بود که مع الاسف بسیاری اش منسی واقع شده است. سیاسات اسلام همچو منسی شده است که اصلاً سیاست یک ننگی بود در اینجا! فلان آخوند سیاسی است! و



* خطبه منا امام حسین (ع)، ترجمه رحیم‌پور ازغدی:

ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را درخطر بیندازید و از حیثیتان در راه دین و ارزش‌ها مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعف و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده‌اید. گروه‌هایی از مردم برده‌ی اینان شده‌اند و مثل برده‌های مقهور و شکست‌خورده، زیر دست و پای آنان له می‌شوند. عده‌ای نان شبشان را نمی‌توانند تهیه کنند. در هر شهری عده‌ای را گماشته‌اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمی‌توانند دستی را که به سمتشان می‌آید تا به آن‌ها زور بگوید، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه‌ی این صحنه‌ها را می‌دیدید و کاری نمی‌کردید. اینان عده‌ای ستمگر و صاحبان قدرت‌اند که علیه ضعف و محرومین بسیار خشن عمل می‌کنند و به روش غیر اسلامی حکومت می‌کنند و متأسفانه بی‌چون‌وچرا هم اطاعت می‌شوند. درحالی‌که نه خدا را می‌شناسند و نه آخرت را قبول دارند. تعجب می‌کنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و پهن است، عده‌ای باج‌گیر حکم می‌رانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عاطفه و انسانیت و مهربانی نبرده‌اند و شما هم باز ساکتید.

خدایا تو می‌دانی که قیام ما له له زدن برای سلطنت، تنافس در قدرت و گدایی دنیا و شهرت نیست، بلکه تنها برای برپا کردن نشانه‌های دین تو قیام کردیم. این علامت‌های راهنمایی و تابلوهای راه را انداخته‌اند و من می‌خواهم دوباره این تابلوها را برپا کنم. قیام برای این است که مردم گنج و گمراه شده‌اند و باید آگاه شوند و باید خونمان را به‌صورت این خواب‌زده‌ها پیشیم تا بیدار شوند.

خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه،



که هیچ چاره‌ای ندارند. همانا در این طبقه محروم گروهی خویش‌نهادی کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غلّه‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. (نامه امام علی(ع) به مالک اشتر)

تماشاچیان بی‌تفاوت

هیچ‌سختی‌کننده

ظلم سه بعد دارد: ظالم، یعنی آن کسی که ظلم را انجام می‌دهد؛ منظم، یعنی آن کسی که ظلم بر روی او انجام می‌گیرد و ظلم را تحمل می‌کند؛ و سوم، تماشاگر بی‌تفاوت. هر سه‌ی این‌ها باهم شریک‌اند؛ هم ظالم در پیش پروردگار منفور و محکوم است، هم منظم - یعنی ستم‌پذیر - که ظلم را می‌پذیرد و در مقابل او اقدام نمی‌کند، و هم تماشاچی بی‌تفاوت و ناظر بی‌طرف، که می‌بیند ظلمی دارد انجام می‌گیرد، ولی او حرف نمی‌زند این سه بعد، تشکیل‌دهنده‌ی ظلم است. اگر هر کدام از این‌ها نباشد، ظلم در دنیا نخواهد بود. اگر ظالم نباشد، ظلم نیست؛ اگر پذیرنده‌ی ظلم هم نباشد، ظلم نیست. اگر ملت‌ها و انسان‌هایی که محکوم به ظلم می‌شوند، این‌ها ظلم را قبول نکنند و در مقابل ظلم از خودشان دفاع کنند، ظلم باقی نخواهد ماند و نمی‌تواند

ظالم، ستم‌پذیر و تماشاچی بی‌تفاوت، در پیش پروردگار شریک‌گرند

در رثای قهرمان بگریید تا شما هم عدالتخواه و آزادی‌خواه شوید

من نمی‌دانم کدام جانی یا جانی‌هایی جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی وارد کردند و آن اینکه هدف حسین بن علی را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی‌ها در مورد مسیح گفتند درباره حسین گفتند که حسین کشته شد برای آنکه بار گناه امت را به

دوش بگیرد، برای اینکه ما گناه بکنیم و خیالمان راحت باشد، حسین کشته شد برای اینکه گناه کار تا آن زمان کم بود، بیشتر بشود.

لذا بعد از این انحراف، چاره‌ای نبود جز اینکه ما فقط صفحه سیاه و تاریک این حادثه را بخوانیم، فقط رثاء و مرثیه ببینیم. من نمی‌گویم آن صفحه تاریک را نباید دید بلکه

باید آن را دید و خواند، اما این مرثیه همیشه باید مخلوط با حماسه باشد. اینکه گفته‌اند رثای حسین بن علی باید همیشه زنده بماند، حقیقتی است و از خود پیغمبر گرفته‌اند و ائمه اطهار نیز به آن توصیه کرده‌اند. این رثاء و مصیبت نباید فراموش بشود، این ذکری، این یادآوری نباید فراموش بشود و باید اشک مردم را همیشه بگیرد، اما در رثای یک قهرمان. پس

در رثای قهرمان بگریید کنید، برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم عدالت‌خواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادی‌خواه باشید

اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگریید، وگرنه رثای یک آدم نفله شده بی‌چاره بی‌دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد، و گریه ملتی برای او معنی ندارد. در رثای قهرمان بگریید برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید، برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تاندان‌های نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالت‌خواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادی‌خواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت‌نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه، کرامت یعنی چه. اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم، آن وقت از جنبه رثائی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم وگرنه بیهوده است. خیال می‌کنیم حسین بن علی در آن دنیا منتظر است که مردم برایش دل‌سوزی کنند یا العیاذ بالله حضرت زهرا بعد از هزار و سیصد سال، آن‌هم در جوار رحمت الهی منتظر است که چهارتا آدم فکسنی برای او گریه کنند تا تسلی خاطر پیدا کند! (حماسه حسینی، شهید مطهری)